

## چیستی جرایم ناقص

حسین آقایی نیا<sup>۱</sup>  
هادی میرزایی برزی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۲/۱۵)

### چکیده

جرم که جوهره‌ی حقوق جزا را تشکیل می‌دهد عبارتست از این که ارکان مادی و معنوی در کنار هم گردآیند (در اکثریت جرایم) و از طرفی قانون نیز آن رفتار را مجرمانه تلقی کرده باشد. بنابراین، تحقق رفتار مادی در کنار عنصر معنوی (به غیر از جرایم مادی صرف) و حصول مطلوب، وقوع جرم تام را در پی خواهد داشت. اما همواره در عالم خارج، جرم تام محقق نمی‌شود و گاه رفتارهایی ارتکاب می‌یابند که در قالب جرم تام قرار نمی‌گیرند. با این وصف، این رفتارها در راستای تحقق قصد مجرمانه انجام گرفته‌اند، لیکن جرم منظور واقع نشده است. در حقوق ایران، علی‌رغم اهمیت فراوان جرایم ناقص، به ویژه سیاست کیفری مقنن در جهت پیشگیری از وقوع جرم یا ورود آسیب مستقیم، به تعریف این جرایم و تبیین چهارچوب و ویژگی‌های آن پرداخته نشده است. این مقاله تلاش دارد ضمن تعریف جرایم ناقص، مبانی جرم‌انگاری، ویژگی‌ها، ارکان و اقسام آن را بیان نماید. خاطر نشان می‌شود، تمیز جرایم ناقص در مقابل جرایم تام ما را به این امر رهنمون می‌سازد که حقوق جزا تا چه میزان از رفتار انجام شده اشخاص را می‌تواند کنترل نماید و چه هنگام می‌توان از حقوق کیفری و نقش آن در ممنوع ساختن رفتاری استفاده نمود.

**واژگان کلیدی:** جرم ناقص، جرم تام، شروع به جرم، تبانی، تحریک، تجری.

۱- دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

Email: h\_aghaienia@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

## مقدمه

تحقق جرایمی مانند قتل، ضرب و جرح، سرقت، تحریق،... موجب لطمه و صدمه به افراد و منافع آن‌ها می‌گردد. انسان محترمی به قتل می‌رسد، جسمی مورد تعرض قرار می‌گیرد، مالی برده می‌شود و به عبارتی، جرم موجب صدمه ممنوعه‌ای می‌شود که منجر به سرزنش مرتکب آن می‌گردد و به درستی مجموعه قوانین کیفری در جهت اجرا و برقراری عدالت، به تعقیب و محاکمه عاملان این جرایم می‌پردازد. هر چند تنها کارکرد حقوق کیفری مجازات و سزادهی نمی‌باشد، بلکه رویکرد دیگر آن، در جهت پیشگیری و جلوگیری از ورود ضرر پیش از تحقق آن است؛ در راستای مطالب بیان شده، این پرسش قابل طرح است که، آیا تنها رفتار مجرمانه‌ای که مراحل تکوین جرم را پشت سر گذاشته و از سویی مطلوب مرتکب حاصل گردیده است، قابل سرزنش می‌باشد؟ به عبارتی آیا مسئولیت جزایی محدود به کسانی می‌شود که مرتکب جرم تام (Completed Crime) شده‌اند؟ آیا فردی که تمام تلاش خود را در جهت ارتکاب جرمی به کار بسته، لیکن مطلوب حاصل نگردیده است، شایسته سرزنش نیست؟ آیا بایستی فرد مصمم به ارتکاب بزه را به حال خود، رها کرد؟ آیا حقوق کیفری تنها در پی صدمه و آسیب ممنوعه‌ای که مستقیم می‌باشد، افراد را مورد کیفر قرار می‌دهد؟ اگر حقوق کیفری تنها بر اساس حصول مطلوب مسئولیتی را قائل بدانند، این کار به منزله تنزل حقوق جزا در حد بخت‌آزمایی نیست؟ هر چند افراد بر اساس نتایج رفتار خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، اما آن به این معنی نیست که تلاش‌هایی که در جهت ارتکاب جرم، نافرجام مانده و شکست خورده‌اند یا نتیجه‌ایی بر آن‌ها بار نشده است، مورد سرزنش نباشند. اما چه زمانی بایستی، رفتار طراحی شده برای تأثیر گذاشتن یا پیش رفتن به سوی دستیابی به هدف مجرمانه، جرم تلقی شود؟

هنگامی که شخصی به طور جدی مشتاق به ارتکاب جرمی باشد، وجود یک مبنای حقوقی برای مداخله قانون به منظور جلوگیری از انجام آن ضروری جلوه می‌نماید، هر چند در تعیین آن مبنای بایستی به خطر سوء استفاده توجه گردد. از سوی دیگر، این مهم بایستی در نظر گرفته شود، که خطوط متمایز کننده نباید آن قدر سختگیرانه و غیر منعطف ترسیم شود که دستگاه تعقیب را با مشکلات غیر قابل حلی نسبت به تصمیم‌گیری در زمان مداخله مواجه سازد.



باید توجه داشت، رفتار برنامه ریزی شده برای ارتکاب جرمی، این گواه را به همراه دارد که مرتکب، متمایل به چنین فعالیتی نه تنها در این موقعیت، بلکه در سایر موقعیت‌ها نیز می‌باشد. در نتیجه، با در نظر گرفتن یک مبنای قانونی، خطری که چنین افرادی ایجاد می‌نمایند ارزیابی شده و برخوردی قاطع در خصوص آن‌ها صورت پذیرد.

فارغ از ملاحظات فوق، زمانی که عدم موفقیت مرتکب را در ارتکاب جرم تام به دلیل اتفاقی غیر منتظره داشته باشیم، عدم تعقیب و مبری دانستن مرتکبین چنین رفتارهایی که قصد مجرمانه آن‌ها تظاهر عینی خارجی پیدا نموده است، به این بهانه که جرم منظور محقق نشده، مغایر با عدالت و انصاف قضایی است. چنین موقعیتی در هر نظام بالعی که برای اهداف شایسته حقوق کیفری طراحی شده است، غیر قابل تصور می‌باشد.

با توجه به مطالب مذکور، بایستی اذعان داشت که جرایم ناقص، در حقوق ایران چندان نام آشنا نبوده و از این حیث گاه با جرایم مشابه دیگر، چون جرایم مانع به اشتباه گرفته می‌شوند. هر چند مصادیق جرم ناقص را به شکل مستقل می‌توان در قانون مجازات اسلامی نظاره گر بود اما کتب حقوقی، آن‌ها را در ذیل این عنوان نیاورده‌اند و بر همین اساس ویژگی‌ها و ساختار آن در چهار چوبی مشخص و معین، به عنوان دسته‌ای خاص از جرایم دیده نمی‌شود. مقاله حاضر در چندین گفتار به بررسی مفهوم جرم ناقص، مبانی جرم‌انگاری، ویژگی‌ها، ارکان و اقسام این جرایم پرداخته است.

### گفتار نخست - تعریف جرم ناقص (Inchoate offences)

نخست بایستی بیان داشت، از آن جایی که اصطلاح «جرم ناقص» در حقوق ایران وجود ندارد، تعاریف چندانی نیز در کتب حقوقی به چشم نمی‌خورد. با این وجود، برخی از حقوقدانان جرم ناقص را چنین تعریف می‌نمایند: «گاه اتفاق می‌افتد که مجرم تمام وسایلی را که در اختیار داشته به کار می‌برد و شروع به اجرای جرم هم می‌نماید و تا حدی هم به حصول نتیجه موفق می‌گردد، ولی موفقیت وی کامل نیست... به همین علت هم این قبیل جرایم را

«جرم ناقص» نامیده‌اند» (محسنی، ۱۳۸۲، ج ۲/۳۸۰).

از محتوای تعریف فوق بر می‌آید که نخست، درخصوص جرم ناقص بایستی ورود در مرحله اجرایی جرم وجود داشته باشد. بنابراین، هیچ‌گاه این امر نمی‌تواند درخصوص عملیات مقدماتی قابل تصور باشد و نکته دوم این که، فرد بایستی تا حدی در حصول نتیجه موفق گردد. بنابراین، مفهوم مخالف این است که اگر موفقیت، هر چند به اندازه اندکی حاصل نشود، جرم ناقص صادق نخواهد بود.

تعریف مذکور کامل نیست. زیرا از یک سو، درخصوص اعمال مقدماتی مرتبط با جرم (چنان که خواهید دید) نیز جرم ناقص مصداق خواهد داشت و از سوی دیگر، نیازی نیست تا حدی در حصول نتیجه موفقیتی صورت گیرد. چنان که فردی که شروع به سرقت می‌نماید و قبل از برداشتن شیء دستگیر می‌شود مرتکب جرم ناقص شده است، درحالی که هیچ مطلوبی هر چند به اندک حاصل نگردیده است.

در تعریف دیگری آمده است: «جرائم ناقص رفتارهایی هستند که ناظر به مراحل ابتدایی ارتکاب جرم هستند و مرتکبین آنها حتی در صورت عدم توفیق در ارتکاب جرم غایی نیز قابل تعقیب و مجازات هستند» (سمعی زنوز، ۱۳۹۱، ص ۹).

تعریف فوق نکاتی را در بر دارد که به آن پرداخته می‌شود: نخست آن که، با توجه به تعریف ارائه شده، جرائم ناقص جرایمی هستند که در مرحله ابتدایی جرم محقق می‌شوند، بنابراین نمی‌توان آنها را در مراحل پایانی تحقق جرم تصور نمود. به سخن دیگر، عملیات اجرایی در آنها نمی‌تواند به پایان برسد. این درحالی است که، جرائم ناقص تنها در مراحل ابتدایی جرم قابل تحقق نیستند بلکه در آنها می‌تواند، حتی عملیات اجرایی جرم نیز به پایان برسد. از سویی دیگر، عبارت «حتی در صورت عدم توفیق جرم غایی، قابل کیفر هستند»، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا جرائم ناقص در مقابل جرائم تام معنا پیدا می‌کنند، بنابراین اگر جرم تام واقع شود محلی برای جرائم ناقص نخواهد بود. در راستای این مطلب، عبارت مذکور چنین به ذهن متبادر می‌سازد که مرتکبین جرائم ناقص در هر حال، در صورت تحقق یا عدم تحقق جرم غایی، از حیث این جرائم، قابل کیفر هستند درحالی که چنانچه جرم تام روی دهد، دیگر جرم ناقصی وجود ندارد که بتوان برای آن نیز فرد را محکوم نمود. دیگر آن که، اگر این جرائم تنها در مراحل ابتدایی قابل تحقق باشند، توفیق مرتکبین این جرائم در



ارتکاب جرم غایی (یعنی مرحله ای که جرم به پایان می‌رسد) به چه معنی است؟ به هر روی با وصف مذکور و در نظرگیری مقدمه تعریف، مشخص نمی‌شود که آیا جرایم ناقص در نهایت می‌توانند از مراحل ابتدایی پا فراتر نهند یا خیر؟

در کتب حقوق انگلیس و امریکا، در بیشتر موارد بدون اشاره به تعریف، مصادیق جرم ناقص مورد بررسی قرار گرفته است. با این وجود تعاریفی را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت: جرم ناقص، جرمی است که کامل نشده به این معنی که، متهمی که قصد حمله به قربانی را داشته است، هنوز به مقصودش نرسیده باشد و در کلیه این جرایم متهم به آن چه قصد داشته برسد، دست نیافته است (Herring, 2004, p.160).

جرم ناقص جرمی است، که با انجام عملی با هدف ارتکاب جرم دیگر محقق می‌شود. به عبارت دیگر، جرمی در ارتباط با جرم تام است، شامل اقداماتی که به حد جرم کامل نمی‌رسد (Allen, 2007, p.261).

جرم ناقص به زبان تنظیم کننده پیش نویس قانون جزای نمونه نیز، به هدایت و رهبری تلقی می‌شود که به ارتکاب جرم تام بیانجامد، لیکن شکست خورده یا این که نتیجه نهایی خود را کسب نمی‌کند (Brody, Acker, 2010, p.368).

با در نظر گرفتن تعاریف ارائه شده می‌توان تعریف ذیل را از جرم ناقص ارائه نمود: جرایم ناقص عبارتند از، جرایمی در ارتباط با جرم تام که مقدمه آن بوده و همواره متضمن قصد مجرمانه‌ایی برای ارتکاب جرم دیگر می‌باشند، لیکن جرم اصلی مرتبط با آن‌ها تحقق نمی‌یابد. به بیان دیگر، جرایمی در جهت تحقق جرم تام می‌باشند، اما نتیجه مورد نظر که همانا وقوع جرم تام است محقق نشده و آسیب منع شده مورد نظر مقنن، در آن مرحله روی نداده است، با این وجود آسیب زایی اجتماعی را به همراه دارند.

### گفتار دوم - مبانی جرم انگاری جرایم ناقص

#### الف - آسیب اجتماعی (Social Harm)

هنگامی که جرم ناقصی روی می‌دهد، مثلاً شروع به جرمی واقع می‌شود، یک آسیب وجود دارد یعنی تهدید امنیت. افراد در جامعه از حق داشتن امنیت جانی و مالی برخوردارند.

یک جرم ناقص، نشان دهنده خطری برای این حقوق می‌باشد. این تجاوز و تعرض به حقوق مذکور، در خود آسیبی را شامل می‌شود که حقوق کیفری با آن برخورد خواهد نمود.

در «تئوری عدالت کیفری» آمده است، «هنگامی که تنها مسئولیت شروع به جرم وجود دارد، آن رفتار به خودی خود می‌تواند به عنوان یک آسیب و لطمه درجه دو حساب شود. این عمل، خود نوعی رفتار است که به طور معمول تهدیدی به آسیب را به نمایش می‌گذارد و این خود، نقض منافی است که قانون آن را منظور داشته است. آن منافی که مورد توجه قانون است، همان امنیت در مقابل صدمه است و صرف تهدید وارد کردن صدمه، ناقض چنین امنیتی است» (Gross, 1979, p.125). باید توجه داشت، هنگامی که صحبت از آسیب می‌شود، همواره یک آسیب ملموس و عینی به مال یا جان مد نظر نیست. برای مثال، در تهدید به اسید پاشی، تحریک فردی به قتل، یا شروع به سرقت، هیچ آسیب و خسارتی به جان یا مال وارد نگردیده است. در این مقال از آسیب در معنای گسترده‌تر، یعنی نقض حقوقی از یک شخص یا جامعه سخن به میان می‌آید. به دیگر سخن، فرد مرتکب جرم ناقص سعی و تلاش در جهت نقض قوانین جزایی و ایجاد بی‌ثباتی اجتماعی داشته است. در نگاه نخست، شاید چنین پنداشته شود که جرایم ناقص موجب ورود آسیبی به غیر نمی‌شوند، درحالی که آن‌ها موجب نوعی از آسیب خواهند بود. می‌توان گفت، حتی اگر قربانی لطمه ندیده باشد، جامعه احساس بی‌حرمتی خواهد کرد و این ممکن است موجب بروز آشفتگی شود. مردم احساس نگرانی خواهند کرد و یا ناخرسندی عمومی از حضور فردی که هنجارهای جامعه را نقض می‌کند، به وجود می‌آید.

گاهی برخی از حقوقدانان پا را فراتر نهاده و آسیب ناشی از جرایم ناقص را برابر با جرایم تام تلقی می‌نمایند (Clarkson and Keating, 1990, p.437). البته نظر فوق خالی از اشکال نیست، زیرا علی‌رغم تأکید بر وجود آسیب اجتماعی ناشی از جرایم ناقص، هیچ‌گاه آسیب این جرایم، با آسیب ناشی از جرایم تام، برابر نخواهد بود. نمی‌توان شروع به قتل عمد و قتل عمد را به لحاظ ورود آسیب و ایجاد هراس و آزرده‌گی در یک جایگاه قرار داد، گرچه هر دو آسیب زایی اجتماعی را به همراه دارند.



در بخشی از جرایم ناقص، افراد با احساس خطر مواجه هستند تا با خود خطر، بنابراین نمی‌توان بین خطرناک بودن این دو نوع از جرایم، به یک شکل برخورد و رفتار مشابهی اتخاذ کرد.

### ج - تقصیر (Culpability)

عامل تعیین کننده در ارزیابی تقصیر در جرایم ناقص، قصد شخص می‌باشد. فردی که هر چه در توان داشته به کار بسته است، تا قصد خود را برای وارد نمودن آسیب مورد نظر به ثمر برساند و به دلیلی در این امر شکست خورده، بایستی به اندازه فردی که موفق در تحقق قصد سوء خود می‌شود، مقصر تلقی شود.

در واقع همان طور که مبرهن است، تحقق جرم نیازمند رکن مادی و معنوی است که در جرم ناقص هر دو رکن وجود دارد. بنابراین، چه تفاوتی است میان قصد فردی که بیش از آخرین اقدام به ارتکاب جرم دستگیر می‌گردد، (در صورتی که ثابت گردد، قصد ارتکاب جرم را داشته است) با فردی که اقدام آخر را در پیشبرد قصدش انجام داده و مرتکب جرم تام شده است؟ آیا برداشتن گام آخر، دال بر مجرمیت فرد می‌باشد؟ باید توجه داشت که، موفقیت در ارتکاب بزه یا عدم موفقیت، به لحاظ وجود قصد مجرمانه، تفاوتی را در جایگاه اخلاقی متهم در مقایسه با مرتکب جرم تام ایجاد نمی‌کند. به سخن دیگر، مسئولیت کیفری بایستی به تلاش انجام شده جهت ارتکاب جرم و نه آنچه به دنبال آن واقع شده است، استوار باشد.

آیا در میزان تقصیر<sup>۱</sup> فردی که به قصد قتل در کمین نشسته است، اما به واسطه دستگیری پلیس موفق به ارتکاب قتل نمی‌شود، نسبت به مرتکب قتل، تفاوتی است؟

با نگاهی درمثال فوق و وجود رکن مادی و معنوی و تلاش جهت تحقق اهداف مجرمانه، به نظر جرم انگاری جرایم ناقص به لحاظ وجود تقصیر و در نهایت مجرمیت، بدیهی خواهد بود.

۱- منظور از تقصیر، تقصیر در معنای اعم می‌باشد، عبارت از رابطه خاص روانی و ذهنی که بین فاعل و جرم برقرار است

(برای اطلاع بیشتر ر.ک: میر سعیدی، ۱۳۸۳، ج ۱/ ۸۷-۶۷).

## د - عدالت بازدارنده (Preventive justice)

غایت حقوق کیفری اجرای عدالت می‌باشد و صد البته عدالتی که بازدارندگی را به همراه داشته باشد. گاه، این بازدارندگی معطوف به مرتکب جرم و جامعه می‌گردد، به این مفهوم که مرتکب جرم از تکرار جرم و جامعه از ارتکاب آن باز داشته شود و گاهی این پیشگیری به ضابطين و البته دستگاه قضا معطوف است، به این معنی که باید به پلیس هرگونه انگیزه‌ای برای پیشگیری از وقوع جرم و نه به طور صرف، کشف و پرده برداشتن از آن داده شود. جرم انگاری جرایم ناقص، وسیله‌ای است برای مداخله پیشگیرانه، در برابر افرادی که گرایش مجرمانه خود را آشکار می‌سازند.

یکی از کارکردهای شناسایی جرم ناقص، در وضعیتی نشان داده می‌شود که ضابطين جهت جلوگیری از وقوع کامل یک جرم مداخله می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر، قوانین مربوط به جرایم ناقص مانند شروع به جرم، انجام اقدامات بازدارنده توسط پلیس را پیش از آن که متهم به طور خطرناکی به ارتکاب جرم مورد قصدش نزدیک شود، ممکن می‌کند. هم چنان که یکی از دادگاه‌ها<sup>۱</sup> استدلال کرده، بایستی برای پلیس «یک حاشیه امنیت منطقی بین زمانی که قصد ارتکاب جرم به اندازه کافی برای ایشان محرز می‌شود تا زمانی که برای جلوگیری از ارتکاب آن جرم اقدام می‌کنند» به رسمیت شناخت (Lafave, 2003, p.582).

قانون با جرم انگاری جرایم ناقص، تلاش می‌دارد تا مانع از رخداد و اعمال مجرمانه‌ای شود که آسیب و صدمه‌ای غیر مستقیم را برای اشخاص ایجاد می‌کنند. به بیانی دیگر، ممنوع نمودن این دست رفتارها امکان مداخله به موقع ضابطين برای مهار اشخاص خطرناک و جلوگیری از وقوع جرایم منظور را، فراهم می‌نماید. بنابراین، درخصوص ملاحظات اساسی جرم انگاری جرایم ناقص بایستی از یک سو، به ضرورت تجویز مداخله حقوقی بیش از آن که اقدامات مرتکب به نحو خطرناکی مقرون به نتیجه مجرمانه شود و از سوی دیگر، به ضرورت اتخاذ برخوردهای ترمیمی با افرادی که تمایلات مجرمانه خود را آشکار ساخته‌اند، توجه نمود.

۱- در پرونده Bell v.State (۱۹۶۸) دادگاه چنین نتیجه گرفت که، در پروسه تعقیب، عمل انتقال دینامیت به یک ساختمان برای احراز شروع به جرم تخریب ساختمان به وسیله دینامیت، کفایت می‌کند. زیرا، در غیر این صورت اگر ضابطين کماکان وارد عمل نشوند، سلامت افراد ساختمان به خطر می‌افتد.



بر مبنای تئوری اقتصادی حقوق کیفری، بایستی رویه‌های حقوق جزا بر مبنای این فرضیه استوار شود، که افراد به نحو منطقی در پی انجام عملی هستند که منافع مورد انتظارشان را تضمین کرده و افزایش دهد. این فرضیه که عناصر اجتماعی (افراد) به طور منطقی در پی افزایش منافع خود هستند، زمینه ساز این پیش‌بینی است که افراد، تنها دخیل در ارتکاب اعمالی خواهند شد که آن چه به عنوان ثمره‌اش در ذهن دارند به هزینه‌هایش می‌ارزد. از حیث حقوق کیفری، بازداشتن افراد از ارتکاب اعمالی که تحت پوشش آن حقوق هستند مستلزم هزینه بار کردن چنان اعمالی از طریق تعیین مجازات است... به نحوی که آن مجازات هزینه عمل را از ثمره عمل برای مرتکب بیشتر کند و در نهایت دلایل منفعت محور ایشان را جهت ارتکاب آن، زایل سازد (Ferrante, 2007, p.13). در واقع قانون با جرم‌انگاری این جرایم، تعیین مجازات و تأثیر آن، در جهت بازداشتن اشخاص از ارتکاب این جرایم، بهره می‌گیرد.

به بیان آخر، تمام جرایم ناقص ارزش و اهمیت اساسی را در آن چه «عدالت بازدارنده» خوانده می‌شود، منعکس می‌نمایند. جرایم ناقص رفتارهایی را مورد هدف قرار می‌دهند که اگر اجازه می‌یافتند تا بی وقفه ادامه یابند، منجر به رفتارهای غیرقانونی و آسیب‌های اجتماعی بزرگتری می‌گردیدند (Brody, Ackeer, op.cit, p.369).

گرچه، چنان که پیشتر نیز بیان گردید آسیب واقعی، هنوز به صورت ملموس و عینی در این جرایم محقق نشده است، ولی حقوق کیفری ترجیح می‌دهد که برای حفظ جامعه و اطمینان از این که هدف این جرایم و آسیب‌های آن واقع نشود، در آن دخالت داشته و این امکان را برای فرایند عدالت کیفری فراهم می‌نماید تا با افرادی که خطرناک بودن خود را نشان داده‌اند، برخورد کند.

### گفتار سوم - ویژگیهای جرایم ناقص

#### الف - ویژگی ساختاری

##### ۱ - مطلق بودن جرم

جرم مطلق، جرمی است که تحقق آن منوط به حصول نتیجه نیست و به بیان دیگر، قانونگذار صرف وقوع رفتار مجرمانه را صرف نظر از ایجاد نتیجه زیان بار جرم می‌شناسد (صالح ولیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶).

بر اساس تعریف ارائه شده، جرایم ناقص، جرایمی مطلق هستند و به لحاظ ساختار مادی تشکیل دهنده جرم، نیازمند تحقق نتیجه نمی‌باشند. مانند جرم تبانی که در ذات خود توافقی است برای ارتکاب یک جرم و لازم نیست توافق به اجرا گذاشته شده باشد یا در طرح براندازی نظام، تحقق جرم مقید به حصول نتیجه، یعنی اجرای طرح نیست.

## ۲- عمدی بودن جرم

به اعتبار عنصر معنوی، جرایم به عمدی و غیر عمدی تقسیم می‌گردند. جرم عمدی، جرمی است که با قصد و اراده صورت می‌گیرد و مرتکب، تحقق نتیجه مجرمانه را نیز خواستار می‌شود. در این جرایم، عنصر معنوی از «قصد مجرمانه» یا «سوءنیت» تشکیل می‌یابد (صانعی، ۱۳۷۶، ص ۴۰۱).

بنابراین، جرم عمدی، جرمی است که فرد با قصد، عالمانه و آگاهانه مرتکب آن می‌شود و از این حیث جرایم ناقص جرایم عمدی تلقی می‌شوند. در کلیه جرایم ناقص نوعی تلاش برای ارتکاب جرم، نهفته است و از سویی دیگر، نمی‌توان بدون قصد مشخص برای امری تلاش نمود و این تلاش حاکی از هدفمندی رفتار مرتکب می‌باشد و به عبارتی، عمد در کنه جرایم ناقص وجود دارد. مانند تحریک دیگری به تخریب یا ساخت کلید جهت سرقت، یا کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر.

## ۳ - مقدم بودن بر جرم تام

جرایم ناقص، مقدمه جرم اصلی می‌باشند. در واقع آن‌ها اقداماتی هستند که به حد جرم تام نمی‌رسند، لیکن برای منتهی شدن به ارتکاب جرم تام طراحی می‌شوند و در این راستا جرایمی مجزا و متمایز محسوب می‌گردند. با این حال از نظر دور نشود، که جرایم ناقص به خودی خود نمی‌توانند جرم تلقی شوند و بایستی در جهت تکمیل جرم دیگر باشند. نمی‌توان فردی را به اتهام تبانی یا شروع به جرم تعقیب نمود. زیرا این جرایم در ارتباط با جرایم دیگر و در



تکمیل آن‌ها معنا می‌یابند مانند شروع به سرقت یا تبانی برای قتل. از همین روی می‌باشد، که جرایم ناقص را جرایمی به قصد ارتکاب جرمی دیگر و در ارتباط با آن تعریف می‌نمایند.

#### ۴- عدم تحقق جرم تام

یکی دیگر از ویژگی‌های جرایم ناقص آن است که این جرایم در ارتباط با جرایم اصلی (تام) می‌باشند، لیکن جرم اصلی نبایستی محقق شود. به این ترتیب، جرایم ناقص جرایم ناتمامی هستند که جرم مقصود ارتکاب نمی‌یابد و در واقع مطلوب حاصل نمی‌گردد، به همین دلیل عنوان جرم ناقص بر آن‌ها اطلاق می‌شود. خاطر نشان می‌شود، جرم ناقص در مقابل جرم تام معنا می‌یابد و چنانچه جرم تام محقق گردد، وصف جرم ناقص مفهومی نخواهد داشت. بنابراین، این جرایم گاهی به سوی جرم منظور می‌باشند با در نظر گرفتن این که، جرم منظور از ابتدا محقق نشده یا تحقق آن با شکست مواجه شده یا نتیجه منظور حاصل نگردیده است.

#### ب- ویژگی آسیب‌شناسی

در معادله ای می‌توان مسئولیت کیفری را برابر قرارداد با تقصیر توأم با آسیب و صدمه. (Blame + Harm = Criminal liability)

اگر چنان معادله ای را پذیرا باشید (صرف نظر از اصول صدمه محور و تقصیر محور) که تقصیر همراه با ورود آسیب مسئولیت کیفری را ایجاد می‌کند، بایستی در نظر داشت که این آسیب به دو قسم امکان تحقق دارد. آسیب مستقیم یا درجه یک، یعنی آسیبی که به جان، مال، آبرو وارد می‌گردد. اما دسته دوم، آسیبی که مستقیم نیست به این معنی که، هیچ مالی دچار خسران نشده و هیچ جانی تلف نگردیده یا خدشه ای به شخصیت معنوی اشخاص وارد نشده است، لیکن تهدیدی برای امنیت که حقی است برای هر فردی، ایجاد گردیده است. چه در غیر اینصورت، اگر (فقط براساس این تساوی) قائل به خسارت مستقیم باشیم می‌توان بیان داشت که، در جرایم مطلق خسارت به این مفهوم کمتر مطرح می‌شود. بنابراین، شق دوم آسیب‌ها که از آن می‌توان به آسیب اجتماعی یا درجه دو یاد نمود، مطرح می‌گردد. به بیان دقیق تر، این آسیب را می‌توان گسترده تر از آسیب در معنای حقیقی در نظر گرفت.

همه ما منافعی در ایمن بودن از صدمه داریم. شروع به جرم یک تهدید جدی به ایجاد صدمه و آسیب به وجود می‌آورد. این تهدید حق ایمنی و خود مختاری ما را نقض می‌کند. کسی به قلمرو ما [در معنای وسیع تر، جامعه] به شکل تهدید آمیزی تجاوز کرده است. نقض این گونه منافع، صدمه محسوب می‌شود (کلارکسون، ۱۳۷۴، صص ۱۴۳-۱۴۲) که از ویژگیهای جرایم ناقص قلمداد می‌گردد و همانطور که پیشتر نیز بیان گردید، گرچه قربانی این گونه جرایم صدمه‌ای ندیده‌اند در عین حال، یک ناخرسندی عمومی از حضور فردی که هنجارهای اجتماعی را نادیده گرفته و نقض می‌نماید و همچنین تهدیدی است برای امنیت، به وجود می‌آید که این امر موجب بی‌ثباتی و آسیب زایی اجتماعی می‌گردد.

### گفتار چهارم - ارکان تشکیل دهنده جرایم ناقص

#### الف - رکن مادی

بایستی متذکر شد که جرایم ناقص همچون جرایم تام، نیازمند تحقق رکن مادی جرم می‌باشند و از این حیث تفاوتی میان جرایم ناقص و تام وجود ندارد. از همین روی، برای حفظ حقوق و آزادی شهروندان و برای مطمئن نمودن افراد از این که عدالت اجرا می‌شود، قانون بایستی اثبات یک عمل مشخص و بدون ابهام را شرط نماید. در خصوص جرایم ناقص، بایستی بیان داشت که عنصر مادی در همه آن‌ها عبارتست از: برداشتن گام‌هایی به سوی دستیابی به هدف مجرمانه، که این گام‌ها به حد جرم کامل نمی‌رسند.

خاطر نشان می‌شود، البته هر رفتار آشکاری به عنوان عنصر مادی جرایم ناقص کافی نیست که در غیر این صورت، دستگیری‌های اشتباه متعددی اتفاق می‌افتد. آن چه در عنصر مادی این جرایم حائز اهمیت است، این که چه زمانی شخص به اندازه کافی پیش رفته است که بتوان مسئولیت کیفری را توجیه نمود.

مطلبی که می‌توان به طور عموم در خصوص جرایم ناقص اضافه نمود این است که، به نظر همه موارد جرائم ناقص (به استثنای یک مورد) مبتنی بر فعل (که همانا جنبش و حرکتی است از طرف فاعل) بوده و از طریق ترک فعل قابل تحقق نمی‌باشد، مانند تحریک به قتل یا تبانی



برای ارتکاب جرم... البته باید توجه داشت که، فعل مذکور می‌تواند دسته‌ای در عملیات مقدماتی و در دسته‌ای دیگر از این جرایم، در عملیات اجرایی هویدا شود. به بیان دیگر، رکن مادی جرایم ناقص، گاه در مرحله تهیه مقدمات، گاه در مرحله شروع به عملیات اجرایی و گاه نیز در مرحله اجرا قابل تحقق می‌باشد. در واقع، عنصر مادی آن‌ها از حیث مراحل تکوین جرم با یکدیگر متفاوتند، اما آن چیزی که مشترک در رکن مادی همه این جرایم است این که، رفتار مجرمانه به صورت تام نبایستی محقق گشته و جرم مقصود ارتکاب یابد.

### ب - رکن معنوی

رکن معنوی جرایم ناقص همواره، داشتن قصد انجام رفتاری یا حصول نتیجه‌ایی است که طبق قانون جرم می‌باشد، به این معنی که جرایم ناقص جرایمی عمدی اطلاق می‌شوند و هیچ‌گاه رکن معنوی آن‌ها را خطا تشکیل نمی‌دهد. زیرا در همه موارد جرایم ناقص، به نوعی تلاش در جهت ارتکاب جرم وجود دارد خواه به شکل شروع به جرم یا تلاش برای توافق با اشخاص دیگر در جهت ارتکاب جرم به شکل تبانی و یا تلاشی برای محول کردن ارتکاب جرمی به دیگری به شکل تحریک و... به بیانی فرد نمی‌تواند تلاشی داشته باشد برای انجام امری درحالی که، به طور خاص و مشخص قصد انجام آن را ندارد، به سخن دیگر، قصد مشخص در ذات هر یک از جرایم ناقص وجود دارد. بایستی اضافه کرد، که در برخی جرایم ناقص علاوه بر عمد عام، می‌تواند عمد خاص نیز وجود داشته باشد مانند شروع به قتل عمد، اما در برخی موارد تنها عمد عام کفایت می‌کند مانند تهدیدی به قتل یا ضررهای نفسی. با این وجود احراز رکن روانی در جرایم ناقص، حائز اهمیت است.

### گفتار پنجم - اقسام جرم ناقص

#### الف - تقسیم بر اساس ساختار تشکیل دهنده

وقتی سخن از ساختار تشکیل دهنده جرایم می‌گردد، بدیهی است که سخن از دو رکن مادی و معنوی به میان می‌آید. با در نظر گرفتن میزان توجه به هر یک از ارکان فوق می‌توان جرم ناقص را به دو قسم «جرم ناقص ساده» (Simple Inchoate Offence) و «جرم ناقص

مرکب» (Complex Inchoate Offence) تقسیم کرد. بایستی خاطر نشان نمود که، در این تقسیم بندی گاه مرکز توجه بر رفتار و گاه بر قصد مرتکب است، اگرچه وجود قصد و رفتار مجرمانه در هر دو تقسیم فوق ضروری است.

### ۱ - جرم ناقص ساده

جرم ناقص ساده، جرم ناتمامی است که در آن ضمن توجه به قصد متهم، تمرکز حقوقی بر رفتاری که به عنوان جرم ناقص روی داده، می‌باشد. زیرا این رفتار تشکیل دهنده جرم ناقص است که مبتنی است بر ایجاد خطر، صرف نظر از خطر رفتاری که موجب تحقق جرم اصلی می‌باشد. در واقع در این جرایم، رفتار ارتكابی مجازات می‌شود به این دلیل که آن رفتار به خودی خود حامل خطر آسیب است. بنابراین، در خصوص جرایم ناقص ساده، تمرکز بر رفتار ارتكابی متهم است و این که آن رفتار ارتكابی، خود متضمن چه خطری بوده است. برای مثال بزهکاری که تیری را به قصد قتل دیگری رها کرده ولی تیر به خطا رفته و به هدف اصابت ننموده است.

### ۲ - جرم ناقص مرکب

جرم ناقص مرکب، جرم ناتمامی است که ضمن توجه به رفتار انجام شده، تمرکز حقوقی، بر قصد متهم در تحقق جرم تامی است که در پی جرم ناقص به وقوع خواهد پیوست. با این توضیح که، عمل انجام یافته از سوی متهم، خود موجب لطمه ای به قربانی نمی‌شود، لیکن رفتاری که تکمیل کننده جرم به شکل تام است چنان لطمه ای را وارد می‌نماید. به این ترتیب، در جرم ناقص مرکب، متهم به دلیل انجام عمل «الف» مجازات می‌شود در حالی که قصد انجام عمل «ب» را داشته است. در واقع، تمرکز در خصوص این جرایم بر این است که متهم قصد انجام چه کاری را داشته است و رفتاری که در پی تکمیل جرم ناقص خواهد بود، مرکز توجه قانونگذار است.



در جرم ناقص مرکب، رفتارنا تمامی که واقع شده از اهمیت بسزایی برخوردار نیست، بلکه قصد انجام رفتاری که در جهت ارتکاب جرم تام می‌باشد مورد توجه است، با در نظر گیری این که رفتار تشکیل دهنده جرم ناقص، خود موجد خطر نیست و این رفتار قصد شده در جهت جرم تام است که خطر آفرین خواهد بود. مانند جرم تهدید به قتل یا تحریک به سرقت، که تهدید یا تحریک لطمه ای به قربانی نمی‌زند و این قتل یا سرقت است که موجب آسیب و لطمه به قربانی جرم می‌گردد.

### ب - تقسیم بندی بر اساس عنوان مجرمانه

همانطور که بیان گردید، اصطلاح جرم ناقص در حقوق ایران وجود ندارد، بنابراین تقسیم بندی از این حیث نیز به چشم نمی‌خورد. در عین حال، در حقوق انگلیس و امریکا سه جرم کلی که ذیل عنوان معمول جرایم ناقص قرار می‌گیرند شناسایی می‌شود که می‌توان بر اساس تعاریف ارائه شده و ساختار تشکیل دهنده، این عناوین را نیز در حقوق ایران جستجو نمود. سایر موارد ذکر شده در این تقسیم بندی بر اساس چهار چوب و اصول حاکم بر جرایم ناقص و بر طبق حقوق ایران عنوان شده است.

#### ۱ - شروع به جرم (Attempt)

بایستی خاطر نشان نمود، که نخستین بار این مفهوم در قانون ۱۸۱۰ فرانسه تعریف گردید و در ماده ۲ قانون مذکور آستانه شروع به جرم با «آغاز عملیات اجرایی» تعریف شده و این تعریف بعدها نیز در تفکرات غربی پا برجا باقی ماند. به لحاظ تاریخی، شروع به جرم از جرم تام مشتق شده ولی پس از آن که توانست جای پای خود را به خوبی در دادرسی‌های کیفری قرن نوزدهم محکم کند، برخی از نظریه پردازان به این فکر افتادند که شاید بتوان شروع به جرم را - لاقلاً در برخی از جرایم - جرم مبنا (Primary or Basic Offense) دانست (فلچر، ۱۳۸۴، صص ۲۸۸-۲۹۰). با این توضیح که، در جرایم مقید و با در نظر گیری عوامل تصادفی که موجب می‌شود علی رغم تلاش مرتکب جهت رسیدن به نتیجه مجرمانه جرم تام محقق نگردد، مبنای مجازات بایستی شروع به جرم و نه آثار عارضی اتفاقی چون قتل یا تخریب و...

قرار داده شود. باید اضافه کرد، برخی از سیستمهای حقوقی نیز کوشیده‌اند تا مفهوم شروع به جرم را گسترش داده و شامل «بی احتیاطی مخاطره‌آمیز» (Reckless Endangerment) نیز بدانند (فلچر، پیشین، ص ۲۹۳).

با این وجود می‌توان شروع به جرم را این گونه تعریف نمود: شروع به جرم، رفتاری است توأم با قصد مجرمانه که به طور مستقیم به سوی ارتکاب جرم سوق می‌یابد، لکن جرم منظور به دلایلی واقع نمی‌شود. به طور مختصر با توجه به تعریف یاد شده، چند نکته قابل طرح است: نخست آن که، شروع به جرم رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است. هر چند برخی از حقوقدانان بر این اعتقادند که شروع به جرم در جرایمی که عنصر مادی آنها ترک فعل است، محقق و ثابت نیست (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۱ / ۲۱۹). اما بایستی توجه داشت، ترک فعل مورد نظر حقوق کیفری بر اساس اراده درونی صورت می‌گیرد. بنابراین، از این حیث که اراده در آن دخیل است مانند فعل مثبت خواهد بود. به تعبیر برخی از حقوقدانان، «ترک فعل، اراده مانع و فعل مثبت، اراده دافع است» (زراعت، ۱۳۸۵، ج ۱ / ۱۴۸). بنابراین به نظر می‌رسد، شروع به جرم در جرایمی که عنصر مادی آنها ترک فعل می‌باشد نیز، قابل تحقق خواهد بود. دوم آن که، رفتار مذکور بیش از اعمال مقدماتی بوده و ارتباط مستقیم با جرم داشته باشد. سوم آن که، قصد مجرمانه، قصد ارتکاب جرمی باشد که شروع به اجرای آن شده است و چهارم آن که، جرم مورد هدف، تحقق نیابد.

## ۲- جرم عقیم و محال

از جرایم فوق گاهی تحت عنوان اقدامات مجرمانه بدون بهره نیز یاد می‌شود (نوربها، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶).

جرم عقیم، جرم ناقصی است که با وجود گذر از قصد مجرمانه و خاتمه عملیات اجرایی، به واسطه بی کفایتی مرتکب جرم یا عللی غیر قابل پیش بینی که اراده مرتکب در آن دخالت ندارد، مطلوب حاصل نمی‌گردد. ضروری است خاطر نشان شود، که در جرم عقیم قصد



جنایی قابل تحقق است و امکان وقوع جرم وجود دارد، اما به دلایل آمده در فوق جرم محقق نمی‌شود.

در خصوص جرم محال (Impossible Attempts) یا ممتنع یا غیرممکن بایستی بیان داشت که نخستین بار این اصطلاح توسط فویر باخ (Feuer Bach)، حقوقدان و فیلسوف آلمانی مطرح گردید (ملک اسماعیلی، ۱۳۵۵، ص ۸۵). جرم محال، جرم ناقصی است که با وجود گذر از قصد مجرمانه و خاتمه عملیات اجرایی به لحاظ فقدان موضوع یا عدم کفایت ابزار به کار گرفته شده، که مستقل از اراده فاعل بوده است، امکان حصول مطلوب وجود ندارد.

تحقق جرایم عقیم و محال کاشف از سوء نیت مرتکبین آن است و آنها به لحاظ ذهنیت مجرمانه از مجرمی که مرتکب اصل جرم شده است، دست کمی ندارند، اگر چه جرم اصلی محقق نشده است. با این حال روشن است، مرتکبین این جرایم نسبت به قانون عصیان ورزیده‌اند. باید توجه داشت، وجه افتراق جرم محال با جرم عقیم در عواملی است که عدم حصول مطلوب را به دنبال دارد. به عبارتی، در جرم محال سخن از «وجود مانع» و در جرم عقیم «ایجاد مانع» است. در واقع، عواملی که موجب عدم امکان تحقق جرم می‌باشد، «علل ذاتی» است که در زمان شروع به اجرا وجود دارد. درحالی که، عواملی که موجب عقیم ماندن تحقق جرم می‌گردد «علل عارضی» است، لیکن به دلیل ایجاد مانع، جرم منظور محقق نمی‌گردد.

### ۳- تبانی (Conspiracy)

تبانی یک توافق برای ارتکاب جرم است. این توافق است که از طریق تبدیل یک تفکر مجرمانه صرف که به ذهن فردی رسیده و جمع آن با شخص دیگری، باعث ایجاد مسئولیت جزایی می‌شود. تبانی را می‌توان، هم پیمانی در جهت عملی کردن قصد مجرمانه دانست، گرچه جرم منظور هرگز محقق نشود. پیش بینی جرم تبانی تدبیری است نسبت به برخی اقدامات گروهی خاص و خطر آفرین که مانند دیگر جرم انگاری‌های پیشگیرانه به عنوان عاملی در مقابل افرادی که تمایلات مجرمانه خود را به اندازه کافی آشکار ساخته‌اند، عمل

می‌کند. به درستی، تصمیم فردی برای جستجو مجرمین همفکر و همکاری با آن‌ها برای تعقیب یک هدف مجرمانه مشترک، نشانه خطرناک بودن فرد می‌باشد.

موضوع تبانی در حقوق ایران بر دو قسم است. «تبانی عام»، که به جرم خاص و موردی اشاره نمی‌کند، بلکه جرایم به شکل عام مورد نظر مقنن قرار گرفته است. این دسته تبانی خود دو گونه است: تبانی در جرایم بر ضد امنیت کشور و تبانی علیه اشخاص و اموال. «تبانی خاص» نیز ناظر به ارتکاب جرمی مشخص و معین به صورت موردی می‌باشد، مانند تبانی برای فرار متهم، تبانی مدیر تصفیه.... ذکر این نکته ضروری است که، علاوه بر قصد عملی کردن توافق، بایستی عنصر معنوی ارتکاب جرم مورد توافق نیز، مورد ملاحظه قرار گیرد. به دیگر سخن، تبانی برای ارتکاب یک جرم نمی‌تواند بدون وجود بخشی از قصد مجرمانه لازم، برای ارتکاب آن جرم شکل گیرد.

#### ۴- تحریک (Incitement)

تحریک دیگری به ارتکاب هر جرمی، گاه یک جرم ناقص محسوب می‌شود. تحریک شامل تلاش برای محول کردن ارتکاب یک جرم به دیگری است، خواه تحریک به جرم تام منجر شود، خواه نشود. به دیگر سخن، شخص، مرتکب تحریک به ارتکاب جرم است چنانچه با قصد تقویت و تسهیل ارتکاب به جرمی که وی آمر آن است، دیگران را تشویق کند که در هدایت و پیشبرد آن شرکت نمایند. تحریک مستلزم یک عنصر ترغیب، تشویق، تهدید یا دیگر فشارها، برای ارتکاب یک جرم می‌باشد.

به طور کلی تحریک را می‌توان، برانگیختن و سوق نیروی اراده دیگری به سوی ارتکاب جرم با توسل به شیوه‌های مختلف، دانست. بنابراین، قصد وقوع نهایی جرم، حائز اهمیت است. از همین رو، آن جرایمی که بنا به تعریف، دارای نتیجه نهی شده خاصی هستند، بایستی آن نتیجه خاص، قصد شده باشد. به این ترتیب، چنانچه تحریک کننده حصول آن نتیجه را قصد نکرده باشد، جرم مزبور مورد تحریک قرار نگرفته است. همین طور، در صورتی که نتیجه نهی شده به شرایط خاصی ارتباط داشته باشد، که وجود یک قصد را الزامی می‌سازد، نمی‌توان



قصد حصول آن نتیجه را به تحریک کننده منتسب نمود مگر آن که وی، حائز آن عنصر معنوی مضاعف نیز بوده باشد. برای مثال در زناى محصن، با توجه به آن که بایستی مرد، دارای همسر دائمی باشد، اگر «الف» بدون اطلاع از این که «ب» دارای همسر دائمی است وی را (از طریق رایانه) تحریک به زنا نماید، «الف» مرتکب تحریک به زنا شده است نه تحریک به زناى محصن. از تحریک به عنوان جرم ناقص می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: تحریک نیروهای رزمنده، تحریک به جنگ و کشتار، تحریک به فساد و فحشا، تحریک به معامله یا ترویج اشیا منافی عفت، تحریک به حضور در قمارخانه، تحریک به دستیابی به محتویات مستهجن از طریق رایانه، تحریک به ارتکاب جرایم منافی عفت، استعمال مواد مخدر، خودکشی، یا انحرافات جنسی از طریق رایانه.

#### ۵ - جرایم داشتن و نگهداری (Crimes of Possession)

در اختیار داشتن یا حفاظت کردن از چیزهایی که ممنوعیت قانونی دارد، می‌تواند به عنوان جرم ناقص تلقی شود. لازم به ذکر است که، این خود در اختیار داشتن یا نگهداری نیست که مبنای توصیف مجرمانه را تشکیل می‌دهد، بلکه بیشتر آن رفتاری مهم است که فرد با در اختیار گرفتن آن ابزار ممنوعه، ممکن است انجام دهد. به عبارتی، این دست رفتارها گاه به خودی خود بی ضررند اما در عین حال، به این خاطر که بسیار مستعد آسیب رسانی هستند وصف مجرمانه به خود می‌گیرند.

از جرایم ناقص «داشتن و نگهداری» می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: داشتن و نگهداری آلات قمار، داشتن و نگهداری اشیا مخالف عفت و اخلاق حسنه، داشتن و نگهداری محتویات مستهجن از طریق رایانه.

#### ۶ - جرایم مبتنی بر اعمال مقدماتی مرتبط با جرم تام

چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، تنها رفتارهایی که وارد در مرحله اجرایی جرم شدند تشکیل دهنده جرم ناقص نمی‌باشند، بلکه تهیه مقدمات نیز در مواردی جرم ناقص را رقم می‌زند. این بحث، گر چه در حقوق انگلیس و امریکا نه به عنوان جرم ناقص، که به عنوان جرایم خاص

جرم انگاری شده‌اند، اما به نظر با توجه به ساختار جرم ناقص، در ذیل آن قرار می‌گیرند. از این نوع جرایم می‌توان، طراحی به منظور براندازی حکومت، اخفاجاسوسان، دادن اسلحه برای فرار، تشکیل یا اداره دسته‌های غیر قانونی یا عضویت در آن و تهدید را نام برد.

## ۷- تجری

نهاد فقهی تجری را نیز می‌توان مشابه با جرایم ناقص دانست، لذا به شرح مختصری از این تأسیس فقهی پرداخته می‌شود. تجری «جرات کردن، بی پروایی و بی مبالاتی نسبت به قانونگذار و فرامین وی، می‌باشد. اما در همه اقسام آن، شخص متجری، در راه ارتکاب جرم، بی مبالا یا کم مبالا است و به احکام الله بی اعتنایی کرده و حرمتشان را نگه نداشته است» (شیخ انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴). و در تعریف متجری آمده است: «اگر مکلف به وجوب یا تحریمی قطع پیدا کند و در عین حال، با آن مخالفت کند و تکلیف هم واقعا وجود داشته باشد، در این صورت آن مکلف، عاصی و گناهکار (مجرم) محسوب می‌گردد. اما، اگر به یک تکلیف قطع پیدا کند و آن را انجام ندهد و در واقع هم، تکلیف ثابت نباشد، در این جا آن مکلف «متجری» نامیده می‌شود.» (صدر، ۱۳۶۴، ص ۱۷۱) به طور کلی می‌توان تجری را حالتی دانست، که قطع به حرمت فعل یا ترک فعل یا شک در تکلیف وجود داشته باشد و مرتکب خلاف قطع یا شک مذکور عمل کند، لکن مشخص گردد که قطع، خلاف واقع بوده یا آن چیزی که شک بر آن بار کرده، بر همگان آشکار بوده است. موضوع حائز اهمیت آن که، در عالم خارج هیچ جرم یا رفتار نهی شده‌ایی محقق نشده است و تنها فرد به دلیل جسارت مخالفت با دستورات شارع، متجری خوانده می‌شود.

تجری دارای مراتبی است که عبارتند از: مجرد قصد و نیت معصیت، قصد سرکشی همراه با انجام مقدمات، ارتکاب عمدی رفتاری که مطابق یقین فاعل معصیت بوده است، ارتکاب رفتاری که احتمالا گناه بوده است به قصد نافرمانی و انجام گناه، ارتکاب رفتاری که احتمالا گناه بوده است، لکن مرتکب ترسی از حرام و جرم بودن آن رفتار نداشته باشد (شیخ انصاری، پیشین، ص ۵).



رویکرد فقها به تجری، گاه بر مبنای قبح فعلی یا حق طاعت مولی (الجزایری المروج، ۱۴۰۹، صص ۳۷-۳۵) و گاه بر مبنای قبح فاعلی یا قبح عقاب بلابیان (شیخ انصاری، پیشین، صص ۸-۴) بوده است. باید توجه داشت، در رویکرد قبح فعلی نیز صرف قصد، مورد کیفر قرار نمی‌گیرد، بلکه قصد سوء مرتکب نیز بایستی به صورتی آشکار گردد، گرچه آن اعمال، گناه و جرم نباشد. تجری در حقوق جزای اسلامی، آن چنان دامنه دار و همه جانبه عنوان شده است که شامل جرم محال نیز می‌شود و بر این اساس برخی معتقدند، جرم محال را می‌توان، یکی از مصادیق آن به حساب آورد (فیض، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴).

### نتیجه‌گیری

جرایم ناقص با وجود آن که جرایم مستقلی هستند، اما تنها در ارتباط با جرم اصلی مورد اتهام قرار می‌گیرند. بایستی توجه داشت، ممکن است شخص به جرم ناقص محکوم گردد هر چند، جرم منظور هرگز ارتکاب نیافته باشد. جرایم ناقص با رفتاری مرتبطند که برای منتهی شدن به ارتکاب یک جرم تام طراحی شده‌اند، اما فاعل موفق به انجام آن نشده یا هنوز به نتیجه نهایی اش دست نیافته است، زیرا هم چنان کار دیگری وجود دارد که بایستی فاعل یا دیگری آن را انجام دهد.

با توجه به جرایم ناقص و مرتبه وجودی آن‌ها می‌توان دید، که برخی از آن‌ها در مرحله اعمال مقدماتی (مانند، جرایم تحریک، تهدید، طرح براندازی نظام، تهیه و ساخت وسیله جهت ارتکاب جرم) دسته‌ای در مرحله شروع به اجرا (مانند شروع به جرم) و دسته‌ای در پایان مرحله اجرایی جرم (مانند جرم عقیم، محال و تجری) قابلیت تحقق دارند.

به طور کلی می‌توان فلسفه جرم‌انگاری جرایم ناقص را، پیشگیری از وقوع جرایم بزرگتر در جهت ممانعت از ورود صدمه دانست. از نظر دور نشود، اگرچه این جرایم موجب آسیب مستقیم یا درجه یک نیستند، با این وجود آسیب اجتماعی یا درجه دو را در پی خواهند داشت. علاوه بر ویژگی آسیب‌شناسی، عمدی بودن، مطلق بودن، تقدم بر جرم تام و عدم جرم منظور، از مختصات این جرایم محسوب می‌گردد. در پایان یادآوری می‌شود، تمییز جرایم

ناقص در مقابل جرایم تام ما را به این امر رهنمون می‌سازد، که چه هنگام می‌توان از حقوق کیفری و نقش آن در ممنوع ساختن رفتاری استفاده نمود.

## فهرست منابع

### الف - فارسی

- ۱- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۶)، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ هفدهم، تهران، نشر میزان.
- ۲- انصاری، شیخ مرتضی، (۱۳۷۴)، **رسائل (فرائد الأصول)**، مترجم: علامه همدانی، قم، انتشارات مصطفوی.
- ۳- الجزایری المروج، محمد جعفر، (۱۴۰۹)، **منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه**، جلد چهارم، چاپ هشتم، قم، انتشارات امیر کبیر.
- ۴- سمیعی زنوز، حسین، (۱۳۹۱)، **تبانی در حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- ۵- صدر، محمد باقر، (۱۳۶۴)، **علم اصول فقه**، مترجم: نصراله حکمت، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۶- زراعت، عباس، (۱۳۸۵)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۷- صانعی، پرویز، (۱۳۷۶)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۸- فلچر، جرج پی، (۱۳۸۴)، **مفاهیم بنیادین حقوق کیفری**، مترجم: سید مهدی سیدزاده ثانی، چاپ اول، آستان قدس رضوی.
- ۹- فیض، علیرضا، **تطبیق در حقوق جزای اسلام**، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۰- کلارکسون، سی. ام. وی، (۱۳۷۴)، **تحلیل مبانی حقوقی جزا**، مترجم: دکتر حسین میرمحمد صادقی، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- محسنی، مرتضی، (۱۳۸۲)، **دوره حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۱۲- ملک اسماعیلی، عزیزالله، (۱۳۵۵)، **حقوق جزای عمومی**، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- میرسعیدی، سید منصور، (۱۳۸۳)، **مسئولیت کیفری**، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.



۱۴- نوربها، رضا، (۱۳۸۵)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ شانزدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۱۵- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۲)، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی (مختصر النافع)**، چاپ اول، تهران، انتشارات خورشید.

### ب- منابع انگلیسی

- 1- Allen, Michael, (2007), **Text Book on Criminal Law**, Ninth Edition, Oxford University Press.
- 2- American Law in Stitude, (1985), Model penal Code, comments Aries, Philadelphia.
- 3- Ashworth, Andrew, (2009), **Principles of Criminal Law**, Sixth Edition, Oxford University Press.
- 4- Brady, James, (1980), **Punishing Attemptes**, the Monist, Heqeler Institute, Vol 63 N02, 246-257.
- 5- Brody, David, Acker, James, (2010), **Criminel Law**, Second Edition, Jones and Bartlett Publisher.
- 6- Clarkson, C.M.V, Keating, H.M, (1990), **Criminal Law**, Text and Material, Sweet and Maxwell.
- 7- Ferrante, Marcelo, (2007), **Deterrence and Crime results**, New Criminal Law Review University California Press, Vol 10 N1, 1-77.
- 7- Gross, Hyman, (1979), **A Theory of Criminal Justice**, Oxford University Press.
- 9- Lafave, Wayne, (2003), **Criminal Law**, Fourth Edition, Thomson West.
- 10- Scheb, John, SchebII, john, (2008), **Criminal Law and Procedure**, sixth Edition, Thomsonwadsworth.